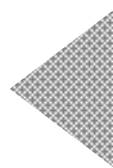


بازخوانی مفهوم فرهنگ از منظر امام خمینی (ره) و سند چشم‌انداز



دکتر محمدرحیم عبوضی^۱

مقدمه

از مشهورات مباحث انقلاب شناسی، تفکیک انقلاب به سه عنصر رهبری، ایدئولوژی و مردم (بسیج توده) است. از آنجا که اصلی‌ترین موضوع هر جامعه و کشوری پس از رخداد موفقیت‌آمیز انقلاب در آن، همانا انقلاب- در موضوعاتی چون علل وقوع، چگونگی استقرار نظام جدید، آسیب‌ها، موانع، چالش‌ها و همچنین آینده انقلاب- می‌باشد، لذا بحث از عناصر سه‌گانه کلیدی همواره از وجوه مختلف در دوران پس از پیروزی دارای موضوعیت و اهمیت می‌باشد. بنابراین بحث از اندیشه‌های امام خمینی (ره)، در واقع بحث از بن‌مایه‌های فکری «رهبری» انقلابی موفق است و اکنون پس از گذشت بیش از ربع قرن از پیروزی انقلاب اسلامی، تأمل دوباره در خصوص اندیشه‌های عالم و دولتمرد فرزانه امام خمینی (ره) دارای چند اهمیت اساسی است:

الف- اول اینکه برآورد عملکردی بدست خواهیم آورد که می‌تواند چشم‌اندازی برای نگاه به آینده باشد.

ب- قوت گفتمانی اندیشه‌های خلاقانه و ابتکاری- انتقادی امام خمینی (ره) را در اسلوبهای فکری و شیوه‌ها، رویه‌ها و سیاست‌های فرهنگی امروز می‌یابیم و خلاصه، توجه به نفوذ آن عناصر گفتمانی می‌تواند هم‌سنخی، تجانس و کدهای ارتباطی اندیشه‌ورزی امروز را با آن زمان- دوره‌ای که امام (ره) در قید حیات بودند- نشان دهد.

ج- با توجه به موقعیت‌ها و چالش‌های جدید، فرصت درک اندیشه‌ها و رفتارهایی بنیانگذار

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) eivazi50670@yahoo.com

جمهوری اسلامی از زاویه‌ای دیگر و از سطحی بالاتر فراهم می‌آید، و این مهم بسیار مغتم و ارزشمند است.

د- نقش نظام جمهوری اسلامی در تحولات فرهنگی (داخل و خارج کشور) و منازعات فرهنگی جهان کنونی مورد توجه و پرسش قرار می‌گیرد.

ه- بحث از قدرت نرم و گرایش به مباحث نرم‌افزاری در آستانه و آغاز قرن بیست و یکم، نشان از حقانیت مقوله «فرهنگ» در مدیریت و حکومت دارد. بنابراین اندیشه‌های فرهنگی امام خمینی (ره) از این زاویه، در مقطع کنونی اهمیت خاصی دارد.

و- شناخت انقلاب اسلامی اصلی‌ترین پرسش جوانان ایرانی به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد. فراگیر شدن انقلاب و محیط بودن آن بر کلیه‌ی موضوعات خرد و کلان کشور، هر موضوعی را به آن (انقلاب) مرتبط می‌سازد. البته ناگفته نماند که به تدریج کنجکاو و سؤالاتی متوجه «نظام» (جمهوری اسلامی) می‌شود و از کم و کیف و ضعف و قوت آن انتقاد یا تقدیر می‌گردد.

برای نسلی که آینده کشور به دست اوست و شناخت، درک و آشنایی حضوری با امام خمینی (ره) نداشته است، طرح اندیشه‌های آن قدرتمند پاک و ساده‌زیست، خصوصاً اندیشه‌های فرهنگی‌اش، از ظرافت و حساسیت بالایی برخوردار است که اتصال و ارتباط لازم برای تعمیق برنامه‌های بلند مدت انقلاب اسلامی، نظیر چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور را در قالب نظام جمهوری اسلامی فراهم می‌سازد.

ی- تداوم رو به گسترش و غیر مقطعی بودن مقوله اندیشه‌ورزی علمی و مباحث تولید علم - به عنوان شاخص و ملاکی برای ملاحظه وضعیت پویایی و نوجویی فرهنگی - تأییدی بر خودجوشی این حرکت عمیق و تحول فرهنگی با توجه به اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) است.

در خصوص طرح موضوع فرهنگ از منظر امام خمینی (ره) و بازتاب سازنده آن بر سند چشم‌انداز، به چند پیش فرض محوری و اساسی به شرح ذیل اشاره خواهد شد.

۱- انقلاب اسلامی، یک حرکت تاریخی است. در نتیجه در کنار مسایل درونی و خرد فراوان بایستی از یک دید کلان هم به این واقعه و مباحث مربوط به آن - مثلاً رهبری آن و اندیشه‌هایش پردازیم. بدین ترتیب موضوعات جلوه متفاوتی از آنچه عموماً

پنداشته می‌شوند، می‌بایند. مثلاً «صدور انقلاب»، در این صورت ادامه و استمرار یک حرکت تاریخی است و در کنار مسایل و مواردی چون رفتار حکومت‌ها(دولت‌ها) پس از انقلاب، فی‌نفسه دارای موجودیت و اثری است که باید آن را دید و شناخت.

۲- کشور ایران، جغرافیا و مکان رخداد «انقلاب اسلامی» (این حرکت تاریخی) است. و کشور ایران بستر ظهور و پذیرای جنبش اسلامی بوده که می‌توان آن را اسلامی و ایرانی دانست. این نکته هم خواص انقلاب اسلامی در این کشور خاص را قابل فهم می‌سازد و هم لطمه‌ای به درک آن به عنوان یک حرکت تاریخی وارد نمی‌سازد.

۳- کلیه حرکت‌های تاریخی و جریان‌های عظیم دنباله‌دار، بدون تردید نگاهی آینده‌نگر دارند و همین نگرش آینده‌گرا آنان را برای حرکت و تجهیز، مقاوم، منعطف و برانگیخته می‌سازد. لذا پشتوانه‌های این حرکت تاریخی(انقلاب اسلامی) در ایران به رهبری امام خمینی(ره)، مبتنی بر نگرش آینده‌نگر، با اتکاء و اعتماد به آموزه‌ها و وعده‌های دین پیامبر خاتم(ص) است.

پس از معرفی مفروض‌های فوق، گشایش و پیگیری بحث را با سه پرسش آغازین و تلاش برای پاسخگویی به آنها از طریق اندیشه‌های امام خمینی(ره) دنبال می‌نمایم. سؤال اول در خصوص نوع نگرش امام خمینی(ره) به مقوله فرهنگ می‌باشد.

سؤال اصلی(۱): آیا نگرش امام خمینی(ره) به مقوله «فرهنگ» و «نظام فرهنگی» مطلوب ایشان، مبتنی بر رویکرد چشم‌انداز بوده است؟

فرضیه اصلی(۱): امام خمینی(ره) قائل به فرهنگ پیشرو در مقابل فرهنگ پیرو بوده و «نظام فرهنگی» مطلوب وی نظامی مشتمل بر اراده، انتخاب و تأسیس در مقابل تقلید و اکتساب بوده است.

فرضیه رقیب(۱): امام خمینی(ره) برخوردار از نگرشی انحصارگرایانه مبتنی بر اهلیت، صلاحیت و اقتدار گروهی خاص از جامعه در قلمرو فرهنگ بوده و نظام فرهنگی مطلوب وی مبتنی بر اطاعت و تسلیم و پیروی صرف در مقابل اراده، انتخاب و تأسیس بوده است.

سؤال دوم در خصوص نقش جامعه و حکومت در فرهنگ سازی از دیدگاه امام خمینی(ره) به شکل زیر قابل طرح می‌باشد.

سؤال اصلی(۲): نگرش امام خمینی(ره) به رابطه حکومت و جامعه در خصوص آموزش

فرهنگی چگونه بوده است؟

فرضیه اصلی (۲): امام خمینی (ره) بسترسازی مناسب و تبلیغ صحیح راه، راهکار آموزش فرهنگ دانسته و رابطه حکومت و جامعه را در این خصوص، رابطه‌ای دو سویه در برنامه‌ریزی‌ها و نظارت و کنترل معرفی نموده‌اند.

فرضیه رقیب (۲): امام خمینی (ره) نقش مستقلی برای جامعه در آموزش فرهنگی قائل نبوده و حکومت را تنها مسئول و ابزار آموزش فرهنگ می‌دانسته است.

طرح سؤال سوم در بستر آسیب‌شناسی فرهنگی با دغدغه‌های آینده‌نگری به شرح ذیل مطرح شده است.

سؤال اصلی (۳): وضعیت موجود فرهنگی تا چه اندازه وفاق جامعه و حکومت را در تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله می‌سازد؟

فرضیه اصلی (۳): انتظار نامعقول سیاست‌پذیر شدن فرهنگ و تلقی انحصارگرایانه حکومتی از فرهنگ، فرایند بازتولید فرهنگ انقلاب- فرهنگ و آموزش آن از دیدگاه امام (ره)- را با چالش روبرو ساخته است، که نیازمند بازبینی روابط حکومت و جامعه جهت کسب هماهنگی لازم برای حرکت در مسیر تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله- خصوصاً در ابعاد فرهنگی آن- می‌باشد.

فرضیه رقیب (۳): ارزیابی وضعیت موجود فرهنگی از طریق تأکید بر وضعیت «جامعه‌پذیری» و «جامعه‌پذیری سیاسی» پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هشدار و خطری را در خصوص وفاق ملی و عزم ملی جهت حرکت در مسیر تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نشان نمی‌دهد.

اهمیت پاسخ به سؤال اول آنست که روشن می‌سازد:

- آیا همچنان می‌توان همچون زمان قبل از پیروزی و دهه اول پس از پیروزی بر اندیشه‌های فرهنگی امام خمینی (ره) برای آینده انقلاب و نظام تکیه نمود.

- انقلاب اسلامی بر چه اندیشه‌های بدیعی استوار بوده و نظام جمهوری اسلامی با اتکاء و اعتماد به آنها چقدر می‌تواند امیدوارانه نسبت به آینده برنامه‌های خود را تنظیم و اجرا نماید.

- راه حرکت در مسیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله، تقویت و اشاعه هرچه بیشتر نگرش امام خمینی (ره) به «فرهنگ» می‌باشد.

فرضیه اصلی: امام خمینی (ره) قائل به فرهنگ پیشرو در مقابل فرهنگ پیرو بوده و «نظام

فرهنگی» مطلوب وی نظامی مشتمل بر اراده، انتخاب و تأسیس در مقابل تقلید و اکتساب بوده است.

فرضیه رقیب: امام خمینی(ره) برخوردار از نگرشی انحصار‌گرایانه مبتنی بر اهلیت، صلاحیت و اقتدار گروهی خاص از جامعه در قلمرو فرهنگ بوده و نظام فرهنگی مطلوب وی مبتنی بر اطاعت و تسلیم و پیروی صرف در مقابل اراده، انتخاب و تأسیس بوده است. یکی از مفاهیم فرضیه «رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز» است که مختصری اشاره خواهد شد.

رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز

رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز، شیوه‌ای از اندیشیدن به سود عمل و علیه سرنوشت‌گرایی است. آینده در جایی نوشته نیست، بلکه هنوز باید ساخته شود. نخستین هدف تفکر بر پایه چشم‌انداز، روشن ساختن گزینش‌های «حال» در پرتو آینده‌های ممکن است. پیش‌بینی‌های خوب، لزوماً آنهایی نیستند که تحقق می‌یابند، بلکه آنهایی هستند که به عمل برای احتراز از خطرها و رسیدن به هدف مطلوب، منتهی می‌گردند. باید به قصد روشن کردن حال، به مطالعه آینده پرداخته شود؛ این است آن اندیشه اساسی که الهام‌بخش چشم‌انداز^۱ است. این گونه تحلیل چشم‌انداز، مستلزم گزینش دیدگاهی است که جهانشمول، کیفی و اراده‌گرا می‌باشد (مفهومی که در اواخر دهه ۱۹۵۰، توسط ج. برگر پدید آمد). چنین تحلیلی، نه پیش‌بینی با کیفیت‌سنجی علت‌مندانانه افراط‌آمیز است و نه آینده‌پژوهی، مفهومی که عمدتاً در کشورهای انگلیس زبان مد روز است و همه جنبه‌های تحقیق درباره آینده را در بر می‌گیرد، ولیکن بدون ارجاع خاص به معیارهای جهانشمولی و اراده.

آینده‌پژوهی در مطبوعات اروپای غربی، شهرت نسبتاً بومی داشته است و آن را عمدتاً بازگشتی به گوی بلورین پیشگویان، یا نوعی داستان‌های علمی-تخیلی تلقی کرده‌اند. در عین حال، مفهوم تحلیل چشم‌انداز، عمدتاً در کشورهای لاتینی (جنوب اروپا، امریکای لاتین) قبول عام یافته است. در رویارویی با شتاب فزاینده دگرگونی، ناپیچینی‌های آینده، و پیچیدگی رو به افزایش پدیده‌ها و کنش‌های متقابل، دست روی دست نهادن، به هیچ روی واکنش مقبولی نیست. اتخاذ نگرش ضدسرنوشت‌گرا، پیشگیرانه و معتقد به عمل، اهمیت اساسی دارد و مقدر نیست که مردم روابطی را که ضروری، تعیین شده و خارج از اختیار آنهاست، پذیرا شوند. آنان از طریق اراده و

اعمال خود، روابط را می‌آفرینند.

در اصل و ریشه کل چشم‌انداز، فرض آزادی در رویارویی با آینده‌هایی چندگونه و نامتعیین، وجود دارد. چشم‌انداز، آینده را صرفاً به عنوان تداوم گذشته نمی‌بیند، زیرا آینده در معرض بازی‌های بازیگران بسیاری است که امروز برحسب برنامه‌هاشان برای آینده، دارند عمل می‌کنند. بنابراین چشم‌انداز، شیوه‌ای از اندیشیدن است که با نگرستن به آینده‌های ممکن، بر عمل کنونی روشنی می‌افکند. در جامعه امروزین، پیش‌بینی آینده به سبب مجموع تأثیرات دو عامل عمده، اهمیت حیاتی دارد که عبارتند از:

- نخست؛ شدت گرفتن دگرگونی‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی، که برنامه‌های درازمدت را ضروری می‌سازد: «هر قدر سریع‌تر برانید، به همان نسبت چراغ‌های جلوی اتومبیل شما باید مسافت دورتری را روشن کند».
- دوم؛ با توجه به سستی‌ای که ذاتی ساختارها و رفتارها است، اگر می‌خواهیم دگرگونی را فردا درو کنیم، بذر آن را امروز باید بیفشانیم.

سال ۱۹۷۳ میلادی سرآغاز نقطه عطفی بود که در آن، آینده دیگر شباهتی به گذشته نداشت و نیاز به یک تحلیل مبتنی بر چشم‌انداز را (برای منظور نمودن دگرگونی‌های حاصل در روندها) مبرم‌تر ساخت.

رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز می‌پذیرد که در هر زمان خاصی، کثرتی از آینده‌های ممکن وجود دارد و آینده واقعی، حاصل تعامل میان بازیگران گوناگون در یک وضعیت خاص و مقاصد هر یک از آنان، خواهد بود. اینکه آینده چگونه تکوین می‌یابد، به طور یکسان توسط عمل انسان‌ها و نفوذ علیت‌ها تبیین می‌شود. به آینده نباید به عنوان یک خط یگانه از پیش تعیین شده و به صورت امتداد گذشته نگاه کرد؛ کاملاً برعکس، آینده کثیر و نامعین است. کثیر بودن آینده و دامنه آزادی عمل انسان‌ها، یکدیگر را تبیین می‌کنند؛ آینده نوشته نشده است، بلکه در معرض آن است که ایجاد شود.

رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز از این ادراک پدید آمد که آینده، محصول علیت و آزادی، هر دو، است؛ آنچه در آینده رخ می‌دهد، نتیجه اعمال و اقدامات گذشته و البته پدیده‌های طبیعی غیر قابل پیش‌بینی است. آنچه اراده می‌شود، تبیین‌کننده اعمال کنونی است. به سخن دیگر، آینده نه تنها توسط گذشته، بلکه توسط تصویر آینده که بر چهره «حال» حک شده است، تبیین می‌گردد.

چشم‌انداز آینده، حال را روشن می‌سازد؛ آینده‌نگامی که از این دیدگاه بدان نگریده شده، «علت وجودی» امروز است. برای مثال، همانگونه که میلتون فریدمن به روشنی در نظریه درآمد مستمر خویش نشان داده است، مصرف فرد در یک زمان خاص صرفاً توسط درآمد گذشته‌اش (پس‌انداز) تعیین نمی‌شود، بلکه درآمد آینده مورد انتظار وی (اعتبار) نیز در تعیین آن مؤثر است (برگرفته از صالح پور و ...، ۱۳۷۹: ۱۳-۱).

رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز	پیش‌بینی متداول	
<p>رویکرد فراگیر امام خمینی(ره) به جهت تربیت دینی و قائل به توحید بودن، همواره در مباحث فرهنگی رویکرد فراگیر داشته است.</p>	جزئی نگر	دیدگاه
<p>کیفی، نه ضرورتاً کمی، ذهنی، شناخته یا پنهان امام خمینی(ره) همواره متغیرهایی چون ایمان و امدادهای غیبی را مورد توجه و استناد قرار می‌دادند: مثل جمله معروف خرمشهر را خدا آزاد کرد.</p>	کمی، عینی و شناخته شده	متغیرها
<p>پویا، ساختارهای در حال تحول امام خمینی(ره) همواره به حرکت در قالب عمل به تکلیف می‌اندیشید. متصلب و ایستا نبود. مثال: اظهار خشنودی از قطع رابطه آمریکا با ایران، دستور تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی در قبال تهدید آمریکا در دوران گروگان‌گیری، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و قدرت انعطاف‌پذیری برای حفظ اصول.</p>	ایستا، ساختارهای ثابت	رابطه‌ها
<p>آینده، علت وجودی حال است ما موظف به تکلیف هستیم. اصلی‌ترین تکلیف، آماده‌سازی برای ظهور امام زمان(عج) است. همچنین وعده‌ای الهی که آینده برای مستضعفین است ما را راهنمایی می‌کند که به مستضعفین توجه و برای آنها کار کنیم.</p>	گذشته، آینده را تبیین می‌کند	تبیین
<p>کثیر و نایقین تأکید امام(ره) بر این فکر و فرهنگ که «ما</p>	واحد و یقینی	آینده

می توانیم».		
تحلیل هدفمندانانه؛ مدل‌های کیفی (تحلیل ساختاری) و اتفاقی (با تأثیرات متقابل) اشارات امام(ره) به وعده‌ها و سنن الهی و قدرت انسان(مؤمن) برای غلبه برمشکلات پیش‌رو	مدل‌های علت‌مندانانه و کمی (اقتصادی، ریاضی)	روش
فعال و خلاق (آینده به وجود آورده می‌شود) تأکید امام(ره) بر حضور همه نیروها برای بازسازی و سازندگی.	انفعالی و انطباقی (آینده رخ می‌دهد) بهترین نمونه گویای مخالفت امام(ره) با این فکر و فرهنگ، توصیه به انقلاب و مخالفت با تسلیم شدن در برابر ابر قدرت‌ها می‌باشد.	نگرش نسبت به آینده

تصمیم‌گیری، نتیجه‌گیری و اثبات فرضیه

اکنون با درک رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز و اهمیت آزادی عمل، استقلال فکر، نقش اراده و انتخاب و قدرت تأسیس برای حال و آینده در این رویکرد، به گفته‌ها و اظهارات امام خمینی(ره) در خصوص «فرهنگ» و «نظام فرهنگی» مطلوب می‌پردازیم که به خوبی نشان از آینده‌نگری و بهره‌مندی ایشان از رویکردی مبتنی بر چشم‌انداز بوده است. به عبارت صحیح‌تر، دیدگاه‌های امام(ره) در این خصوص تجلی استفاده صحیح و آگاهی‌بخش از دین در راهبری جامعه (سیاست) می‌باشد.

- آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد، فرهنگ صحیح است. (دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام(ره)، ۱۳۷۶: ۵۴).
- فکرها را مقید کرده بودند در یک محدوده‌هایی و نمی‌گذاشتند که جوانی که تازه می‌خواهد وارد شود در جامعه، فکر آزاد داشته باشد و خودش مسایل را بررسی کند. (همان: ۹۲). در همین جهت از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، ایجاد فرصت رویارویی و مواجهه با مسایل برای جوانان و آحاد مردم می‌باشد. اینکه امروز بحث از نهضت نظریه‌پردازی و تولید علم مطرح می‌شود، دقیقاً ثمره برخورد با مشکلات به صورت مستقیم و عزم برای چاره‌جویی و حل آنهاست (نظریه‌پردازی بومی).

- راه اصلاح یک مملکتی، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود... شما یک فرهنگ مستقل درست کنید یا بدهید ما درست کنیم، شما می‌ترسید از آمریکا، می‌ترسید از دیگران، بدهید ما درست کنیم، اختیار فرهنگ را دست ما بدهید(همان: ۶۲ و ۶۳)
- ما خودمان هم فرهنگ داریم، خودمان هم همه چیز داریم و احتیاج به غرب در این امور نداریم و آنی که به ما می‌دهند، آن نیست که واقعیت رشد آوری داشته باشد، آن است که ما را می‌خواهند در یک حدی نگه دارند (همان، ص ۸۰). بنابراین از نظر امام(ره) فرهنگ می‌تواند مسبب «رشد» باشد، آگاهی و البته انتخاب به ارمغان آورد.
- اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیاییم، همه وابستگی‌ها تمام می‌شود. اینکه ما وابسته شویم، در اقتصاد وابسته هستیم، در فرهنگ وابسته هستیم، مبدأ این همین است که در فکر وابسته هستیم.(صحیفه نور، جلد ۹: ۶۷).
- زمان بیان این مطلب بسیار حائز اهمیت است. اینکه امام(ره) ریشه مشکلات کشور را در فرهنگ و رفتاری‌های این حوزه می‌داند. در واقع استقلال فرهنگی را مقدمه اصلاح امور می‌داند. بنابراین از دیدگاه امام(ره)، فرهنگ، قدرت‌ساز است و با آن می‌توان در سایر شئون جامعه و حکومت تغییر ایجاد کرد. بنابراین، فکر مقدمه فرهنگ و اصلاح فکری مقدمه اصلاح فرهنگی است.
- استقلال فکری را از ما گرفتند، ما در فکر و در اندیشه و در روح وابسته شدیم.(همان، جلد ۷: ۲۴، ۲۳).
- فکر این معنا که ما «خودمان نمی‌توانیم» را از سر بیرون کند که «ما می‌توانیم»... (همان، جلد ۱۴: ۲۱۲).
- اعتماد به اراده انسانی در سازندگی فرهنگی و «امکان» ایجاد تغییر در فرهنگ و شایسته بودن این تغییر:
- خودمان را از وابستگی فکری بیرون بیاوریم که فکرهایمان این نباشد که ما چیزی خودمان نداریم، هرچه هست، آنجاست.(همان، جلد ۹: ۱۶۷-۱۶۶).
- تا این وابستگی [فکری] هست ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم، هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، الا اینکه خودمان را بشناسیم.(همان، جلد ۹: ۲۵۶).
- امام(ره) در بحث از استقلال فکری و تحلیل چگونگی راهبری امورات کشور به نکته مهمی

اشاره کرده‌اند که به خوبی رفتار و رویه ایشان را در مقام رهبری انقلاب اسلامی نشان داده و تبیین می‌کند. ایشان گفته بودند: ما باید حالا که یک همچو انقلابی پیش آمد، یک همچون نهضتی پیش آمد و اینها هم، این طبقه متوسط و پایینی احساس کرد که یک استقلال دارد، باید همه ما دنبال اینها باشیم و این استقلال فکری را حفظ کنیم. (همان، جلد ۷: ۸۶).

- در واقع فرهنگ طبقه متوسط و پایین می‌تواند فرهنگ راهنمای حکومت در مدیریت امور باشد، چرا که امام (ره) می‌گوید: باید همه ما دنبال اینها باشیم، و هدف از این امر، «حفظ استقلال فکری» است. شاید گزارف نباشد اگر این نکته و هشدار امام (ره) را از جمله رموز موفقیت وی در رهبری انقلابی عظیم و دینی بدانیم.

در کنار این رهنمود که متوجه فضای عمومی کشور است، امام خمینی (ره) در ترسیم «نظام فرهنگی» مطلوب که بایستی برای آن برنامه‌ریزی نمود و به سمت آن حرکت کرد، به نکته قابل تأملی در چگونگی رابطه دو نهاد فرهنگی و علمی کشور یعنی حوزه و دانشگاه اینچنین اشاره کردند: فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد. (دانشگاه، دانشگاهیان از دیدگاه امام (ره): ۳۶۶-۳۶۵).

بنابراین بسط معارف اسلام نیازمند دستاوردهای تجربی در کنار تأملات نظری و فلسفی است، لذا طرح هیچ یک توسط دیگری نه صلاح است و نه صحیح. نظام فرهنگی مطلوب، تلفیقی است.

- این دو قطب [حوزه و دانشگاه] تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند ... مسئولیت آنان بالاتر از همه است. (کلام امام، دفتر هشتم، ۱۳۶۲: ۳۳۴).

- در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضاء می‌کند که نظرات اجتهادی- فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم، شناخت (استفاده از علوم انسانی دانشگاهی) درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است. (صحیفه نور، جلد ۲۱، ۴۸-۴۶).

- پس، نظام فرهنگی مطلوب، نظام تلفیقی و پیوندی میان دو نگرش برای شناخت

درست حکومت و جامعه است. تنها در این صورت نفع مسلمانان و وحدت رویه و عمل (اجماع) فراهم می‌آید.

از این سخن که «طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضاء می‌کند...» باید دریافت که درک این اقتضاء بیانگر همان نگرش آینده‌نگری در دیدگاه امام(ره) می‌باشد. رهبر انقلاب نگاه به آینده دارد، آینده‌ای که متفاوت از گذشته پیش از انقلاب است. در واقع انقلاب بدان جهت صورت می‌گیرد که آینده مبتنی بر گذشته را - مردم یک کشور - نمی‌خواهند بلکه آینده‌ای دیگر را می‌طلبند. پس، زنده ماندن انقلاب به گذر موفق از گذشته نامطلوب و حرکت به سمت آینده خواسته شده می‌باشد.

جوانان ما، دانشمندان ما، اساتید دانشگاه‌های ما از غرب نترسند، اراده کنند در مقابل غرب قیام کنند و نترسند. (همان، جلد ۱۱: ۱۹۳). دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای، عملی ساختن همین رهنمود فرهنگی مبتنی بر رویکرد چشم‌انداز است.

ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآورد و به کار پردازد. از متن دانشگاه‌ها تا بازارها و کارخانه‌ها و مزارع و باغستان‌ها تا آنجا که خود کفا شود و روی پای خود بایستند. (همان، جلد ۱۲: ۶۵).

مهم این است که ایرانی‌ها بفهمند که خودشان می‌توانند کار بکنند. (همان، جلد ۱۳: ۱۹۸).

هر چیزی با کوشش امکان دارد. (همان، جلد ۴: ۱۵۹).

ما باید در برنامه درازمدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم. (امام خمینی(ره) و نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)، ۱۳۸۱: ۷۳).

دنیا باید با علم و علم جهت‌دار اداره بشود (همان: ۷۵).

ضرورت انقلاب فرهنگی امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد. (همان، ص ۷۹).

اسلام انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و مالش و بر جانش و بر ناموسش خلق فرموده، امر فرموده است که مسلط است انسان، آزاد است انسان (همان، جلد ۱: ۶۸).

- روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیزم را بپیمایند. (همان، جلد ۲۰: ۱۱۸). این همان آینده‌ای است که حرکت تاریخی انقلاب اسلامی آن را هدف‌گیری نموده و در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله آن را تعقیب می‌نماید.
- اول باید خودتان را درست کنید، اول باید باورتان بیاید که ما هم انسان هستیم، ما هم قدرت تفکر داریم و این قدرت در همه افراد بشر بالقوه هست. (خودسازی مقدمه دیگر سازی) (همان).
- فرهنگ، اساس استقلال و ملیت یک ملت است.
در مجموع می‌توان گفت «فرهنگ» نزد امام خمینی (ره)؛
- براساس «آینده» شکل گرفته بود. آینده‌ای که در آن، فرهنگ اسلامی به عنوان فرهنگی که عوامل غیر مادی را نیز در حیات فردی و جمعی بشر وارد می‌سازد. در واقع فرهنگی پیشرو و سازنده که در فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام در انتظار ظهور امام زمان (عج)، انسان‌ها را نه بی‌اعتنا و بی‌هدف، بلکه دارای تکلیف و انتظار می‌داند.
- فرهنگ، قدرت‌ساز است و پشتوانه آن «فکر» می‌باشد.
- در چارچوب سنن و وعده‌های الهی قابل فهم و هضم می‌باشد.
- نکته پایانی و بسیار مهم: امام خمینی (ره)، «فرهنگ» را در صورتی «مشارکتی» تبلیغ و ترویج می‌کند. قلمرویی به گستردگی کلیه آحاد مردم و نیازمند حضور همه اعضاء کشور (حقیقی و حقوقی).
- ... با رفتن دزدها و چپاولگرها هم درست نمی‌شود. فعالیت می‌خواهد ... نگذاشتند که یک فرهنگ صحیح (فرهنگ مشارکتی) باشد. مترقی باشد ... (ترقی به حضور همه اعضاء وابسته است). این آشفته‌گی‌ها باید به دست ما و شما، به دست ملت و دولت، تنها، هیچ کدام، نمی‌توانند این کارها را درست بکنند، اگر خانم‌ها خیال کردند که کنار بروند و مردها این کارها را انجام بدهند و یا مردها خیال کنند که کنار بروند و خانم‌ها این کار انجام بدهند، یا هر دو خیال کنند، دولت انجام بدهد و یا هر سه خیال کنند، روحانیت انجام بدهد، این خیال، خیال صحیحی نیست. (همان، جلد ۹: ۱۱۰-۱۰۹).
- بنابراین فرهنگ صحیح، فاصله جامعه و حکومت را کاهش می‌دهد، لذا خاصیت ضد تشریفاتی

داشته و ساده و انعطاف‌پذیر است. به عبارت دیگر، سیاستگذاری فرهنگ در صورتی صحیح است که ورودی آن محدود نباشد و باز خورد آن نیز به گستردگی آحاد یک ملت باشد. سؤال اصلی دوم با این عنوان: نگرش امام خمینی(ره) به چگونگی آموزش فرهنگ و رابطه حکومت و جامعه در این خصوص چگونه است؟ در قالب فرضیه زیر بررسی خواهد شد.

فرضیه اصلی: امام خمینی(ره) بسترسازی مناسب و تبلیغ صحیح راهکار آموزش فرهنگ دانسته و رابطه حکومت و جامعه را در این خصوص رابطه‌ای دو سویه در برنامه‌ریزی‌ها و نظارت و کنترل معرفی نموده است.

امام خمینی(ره) آموزش فرهنگ را در زمره تبلیغ دینی و دعوت به خوبی‌ها دانسته و راه مؤثر در این زمینه را بسترسازی از طریق آگاهی بخشی و آزادی و حق انتخاب بیان کرده‌اند. بنابراین آموزش، غیر از تحمیل و تحکم و اجبار است. آموزش فرهنگ، تلاش برای انتقال دادن و فرصت‌سازی برای یادگیری بیشتر، بهتر و عمیق‌تر می‌باشد. در واقع وظیفه‌ای همگانی است که جامعه و حکومت هر یک جایگاه خاص خود را دارا هستند و حساسیت‌های تغییرات فرهنگی برای حکومت به معنای آن نیست که می‌تواند و اختیار دارد تنها ملاحظات خود را بر جامعه تحمیل نماید، بلکه می‌بایستی در تعاملی مستمر با جامعه، سیاست‌های فرهنگی به مثابه برآیند ظرفیت، تقاضا و ملاحظات دو طرف(جامعه و حکومت) اتخاذ و اجرا شوند. ناگفته نماند که آموزش فرهنگ می‌بایستی بعد پرورشی هم داشته باشد لذا این فعالیت به نوعی، «دعوت» در اندیشه اسلامی و در راستای آن محسوب می‌شود. از آنجا نظام جمهوری اسلامی تأسیس شده است و حکومت اسلامی در معرض دید همگان قرار دارد، این دعوت و تبلیغ و در یک کلام آموزش فرهنگ می‌بایستی نه فقط در شعار بلکه در عرصه عمل، نمود بارز و ملموس داشته باشد. به طور خلاصه می‌توان گفت عملکرد حکومت باید صورتی متعادل از «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» را به نمایش گذارد، تا گسست فرهنگی میان حکومت و جامعه پیش نیاید. حلقه پیوندی میان حکومت و جامعه، مطبوعات و رسانه‌های گروهی هستند که گردش اخبار و اطلاعات در کشور را عملی می‌سازند. ارتباطات سیاسی و فرهنگی چنانچه در این کانال‌های ارتباطی به خوبی ساخته و پرداخته نشوند، نظارت و کنترل دو سویه تحقق نخواهد یافت و عدم توازن و تقسیم کار میان جامعه و حکومت در رویارویی با چالش‌های فرهنگی، زمینه‌ساز انتظارات نامتناسب هر یک از دیگری و کاهش قدرت درک و مفاهمه می‌گردد. لذا رابطه دو سویه در برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل آموزش فرهنگ، سیاستگذاری فرهنگی را نه در انحصار

حکومت در می‌آورد و نه به صورتی افسار گسیخته در انبوه میل‌ها و سلايق جامعه رها می‌سازد و تصمیم‌گیری در این رابطه و ارزیابی عملکرد آن را براساس «داده‌های اجتماعی» قرار داده و صورت‌بندی قانونی آنها توسط دولت (حکومت) با توجه به بازخوردهای احتمالی و عکس‌العمل‌های تحقق یافته انجام می‌شود. اینک به برخی گفته‌های امام (ره) در این باره می‌پردازیم:

- رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملت‌ها خصوصاً نسل جوان بوده است. (همایون، ۱۳۷۴: ۳۰).
 - توجه داشته باشید بالاتر چیزی که می‌تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و در خارج صادر کند، تبلیغات است، تبلیغات صحیح. (صحیفه نور، جلد ۱۴: ۴۴).
 - باید نشریات شما در مقابل اینها به صورتی باشد که وقتی دست مردم می‌رسد بگویند تعلیمی است، و مدرسه‌ای است برای تعلیم و کسانی که الهی هستند، راضی باشند. شما در صدد این نباشید که منحرفین را راضی کنید. در صدد این باشید که منحرفین را اصلاح کنید. (همان، جلد ۱۴: ۲۵۷). این جمله به معنای اینست که باید زمینه‌سازی و بسترسازی برای انتقال فهم صحیح و مبتنی بر فطرت انسان انجام داده شود نه اینکه به صورت یکجانبه و تحکمی قصد جلب رضایت منحرفین را داشت.
 - تمام پیامبران در طول تاریخ اینطور نبوده است که فقط یک ناصح باشند بلکه برای تهذیب اخلاق مردم به گفتگو به کردار، به عمل به فعالیت مأمور بودند و خدای تبارک و تعالی آنها را برای اینکه انسان‌ها را بسازند، برای اینکه خلق انسانی در آنها رشد پیدا بکند و اعمال و افعال انسانی داشته باشند، مبعوث فرموده است. (همان، جلد ۱۷: ۷۷). اصولاً بخش عمده‌ای از آموزش فرهنگ به «عمل» گویندگان و مبلغان آن بستگی دارد. فرهنگ، اساساً نقشه زندگی است، لذا طبیعی است که آن آموزش‌های فرهنگی مورد قبول و پذیرش قرار گیرند که در عمل متجلی و متبلور شوند. به عبارت دیگر چگونگی کارآیی خود را نشان دهند.
- تحقق معیارهای اثربخش در آموزش فرهنگ نیاز به اجرای رفتار مناسب منطبق با شرایط و اوضاع اجتماعی و نحوه برخورد با کار ویژه‌های حکومتی دارد. تأکیدات امام در این خصوص امکان تحقق اهداف را فراهم می‌نماید. از جمله:

- از عموم علمای عظیم‌الشأن و ائمه جمعه و جماعات تقاضا دارم که با دیده رحمت و عطف به جمهوری اسلامی ایران و متصدیان امور نگاه کنند و با ارشاد و موعظه حسنه خطاکاران را تربیت کنند. (همان، جلد ۱۴: ۱۴۲).
- امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است. (همان، جلد ۱۱: ۲۹۴).
- نظارت و کنترل امری همگانی است. امام(ره) برای کلیه مسایل کشور از «همه» نیروها دعوت به عمل می‌آورد و آن را امری واجب و ضروری معرفی می‌نماید.
- خود مردم و خود نویسندگان و گویندگان باید مردم را بیدار کنند که قلمی فایده دارد که بیدارگر توده‌های مردم باشد. (همان، جلد ۲: ۷۱).
- شما مسئولید پیش خدا، هر کدامتان مسئولید که در هر کجا هستید، با آن کسانی که ملاقات می‌کنید حرفهایتان را بزنید، حالا او از شما می‌پذیرد یا نپذیرد کار نداشته باشید، شما این تبلیغ خودتان را بکنید، تبلیغات تأثیر دارد. (همان، جلد ۲: ۱۸۸). در واقع تأکید اصلی بر زمینه‌سازی به طرق مختلف است. هدف؛ جهت بخشی و اقناع‌سازی است و نه تغییر سریع رفتار و اندیشه مخاطب. باید تأکید داشت در اینجا از میزان تأثیر صحبت نشده بلکه از تأثیر سخن گفته شده است. لذا در رفتار و برنامه فرهنگی باید «تدریج» را باور و در نظر داشت و اگر ذره‌ای تأثیر امکان‌پذیر شد، بایستی رضایتمندانه به عملکرد آن نگاه کرد. تحقق اهداف فوق در عرصه عمل مبتنی بر یک رابطه دو سویه حکومت و جامعه می‌باشد. برخی از بیانات امام(ره) در این خصوص حائز اهمیت است.
- شما کوشش کنید که حکومت(یعنی ایجاد روابط دو سویه) بر قلوب کشورهای خودتان بکنید، نه حکومت بر ایران و قلوب از شما کناره بگیرند. (همان، جلد ۱۴: ۱۱۷).
- ... مردم فهمیده‌اند ما دوست(یعنی رابطه‌ی دو سویه در ارتباط حکومت و جامعه) آنها هستیم، مردم به دوستشان علاقه دارند. (همان، جلد ۱: ۲۰۵).
- نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد. مال همه است. (همگانی بودن نظارت و کنترل). امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند. (همان، جلد ۸: ۴۷).
- مطبوعات در هر کشوری نقش اساسی را در ایجاد جوی سالم و یا ناسالم دارند. (همان،

جلد ۱۲، ۲۳).

- رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما، این مرکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمات‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. (همان، جلد ۱۶، ۲۳۹).
- این طبقه‌ای که می‌خواهند مردم را ارشاد کنند، اینها باید اقوالشان با اعمالشان موافق باشد. (همان، جلد ۱۸، ۴۶-۴۵).

نتیجه

سند چشم‌انداز یک اراده سازنده در استراتژی آینده‌نگرانه نظام جمهوری اسلامی است. از منظر امام پایه و اساس تحقق آن ایجاد محیطی فرهنگی با رویکردی مبتنی بر چشم‌انداز است که امکان بهره‌برداری از همه ظرفیت‌های موجود در فرهنگ اسلامی را فراهم می‌آورد. همانگونه که در این مقاله به تفصیل روابط بین مؤلفه‌های فرهنگی بررسی شد و از منظر امام (ره) تأثیر دستاوردهای فرهنگی خصوصاً فرهنگ اسلامی بر شکل‌گیری آینده‌ای روشن، بررسی شد. از منظر امام (ره) تحقق یک محیط مناسب فرهنگی باید بر پایه آموزش فراهم شود. آموزشی که با متغیرهای عمل صالح، رفتار حسنه، رعایت اصول و مبانی ارزشی و تأکیدات دین مبین اسلام همراه باشد. از آنجا که هیچ‌گاه در جامعه‌پذیری، فرایندی کامل نبوده و نیست و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر به طور تمام و کمال نمی‌تواند صورت پذیرد، لذا آموزش فرهنگ همواره موضوعی چالشی است که کلیه قوای حکومت و جامعه و نسل‌ها درگیر را به خود معطوف می‌سازد. بنابراین مدیریت فرهنگی، یک مدیریت چالشی و درازمدت است که لازم است اولاً: دارای بینش و مبانی متقن و آرمان‌های مورد باور باشد. ثانیاً این آرمان‌ها را در ظرف‌های زمانی- مکانی و طی برنامه‌ها و افق‌هایی برای «آینده» درآورد. این مهم در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله محقق شده است. یعنی با اتکاء بر اراده، آینده بر اساس ارزش‌ها و آرمان‌ها، تصویر گشته تا راه‌های وصول بدان‌ها شناسائی گردد و آینده مطلوب آن آرمان‌ها «ساخته» شود.

منابع

- صالح پور، محمدرضا و ...، ۱۳۷۹، **مجموعه مقالات آینده پژوهی**، تهران: وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول.
- موسوی خمینی(ره)، سید روح الله، ۱۳۷۶، **دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام(ره)**.
- موسوی خمینی(ره)، سید روح الله، **امام خمینی(ره) و نهادهای انقلاب اسلامی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره).
- موسوی خمینی(ره)، سید روح الله، ۱۳۶۲، **کلام امام**، دفتر هشتم.
- موسوی خمینی(ره)، سید روح الله، ۱۳۸۱، **امام خمینی(ره) و نهادهای انقلاب اسلامی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره).
- همایون، محمدهادی، ۱۳۷۴، **تبلیغات یک واژه در دو حوزه فرهنگی**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی چاپ اول.